

## مقدمه

هر بار که سیاست های شوروی و احزاب آلت دست آن باعث بحران و سرخوردگی بخشی از استالینیست های سابق می شود، مسأله شورش کرونشئات و سرکوب آن توسط بلشویک ها نیز به ناگهان به مسأله بحث انگیز روز تبدیل می شود. آنارشیست ها، سوسیال دموکرات ها، و عناصر دست راستی ضدکمونیست، همواره معتقد بوده اند که این سرکوب "ماهیت واقعی ضدکارگری بلشویزم" را نشان می دهد و در ضمن اثبات می کند که "برخلاف ادعاهای جناح چپ بلشویزم، تفاوتی میان عملکرد دولت شوروی در زمان حیات لنین و در دوره دیکتاتوری استالین نبوده است". استالینیست های سرخورده نیز از آن جا که همواره لنینیسم و استالینیسم را پدیده ی واحدی تلقی کرده اند، به راحتی در دام این بحث گرفتار می شوند. برش اجباریشان از استالینیسم هم راه است با برش از بلشویزم. و مسأله ی کرونشئات یکی از "بهترین" دست آویزها برای توجیه این عمل است.

در چپ ایران نیز در دوره کنونی از بحران استالینیسم، مسأله ی کرونشئات چنین نقشی را ایفاء می کند. البته، این اولین بار نیست که این مسأله عنوان می شود. جریانات بورژوایی و شبه منشویکی در ایران، از قبیل "نیروی سوم" در دوره مصدق و گروهی از بازماندگان سازمان جوانان جبهه ملی که تحت نام پرطمطراق "سازمان وحدت کمونیستی" کم و بیش همان نقش را در دوره حاضر بازی می کنند، قبلاً چنین خزعبلاتی را منتشر کرده اند. عناصر

سابقاً فدائی و یا پیکاری که تا دیروز زیر عکس استالین می خوابیدند و امروز لنینیزم را منشاء استالینیزم می دانند، صرفاً در همان مسیر قدم گذاشته اند. آخرینشان، و نه با فرهنگ ترینشان، در نشریه ی "زمان نو" قلم می زنند. اخیراً، مقاله ای در این نشریه که عمدتاً بر اساس دزدی ادبی از کتاب پل آوریچ آنارشویست تهیه شده، به همین موضع کهنه که به مثابه آخرین دست آورد نقد مارکسیستی معرفی شده بازگشته است.

اغلب این گونه سخن گویان آنتی بلشویک، اما به راحتی چند مسأله عمده را از قلم می اندازند. اولاً بلشویک ها خواهان این سرکوب نبودند و پیشنهاد مذاکره دادند که مورد قبول شورشیان واقع نشد. ثانیاً در صورتی که این شورش ادامه پیدا می کرد، تبدیل به کانونی برای بازسازی ارتش های ضدانقلابی "روس های سفید" و ادامه ی جنگ داخلی می شد. ثالثاً، ترکیب اجتماعی شورشیان کروئشتات به هیچ وجه با ترکیب کروئشتات در زمان انقلاب ۱۹۱۷ یک سان نبود. رابعاً، بخش تعیین کننده ای از رهبری شورش در ارتباط با نیروهای ضدانقلابی و امپریالیستی قرار داشت. مضافاً به این که، همه این مسائل یک طرف و تشبیه سرکوب کروئشتات (که عاقبت یک فاجعه ی اجتناب ناپذیر بود) با کشتار میلیون ها نفر در زمان استالین یک طرف! چنین شعبده بازی مسخره ای فقط از عهده ی سبک مغزترین آنارشویست ها بر می آید.

برای روشن کردن برخی از جوانب این مسأله، انتشار چند سند را ضروری یافتیم: دو مقاله از لنین و تروتسکی (که به تشریح مسائل دولت شوروی در آن زمان و ماهیت شورش کروئشتات پرداخته اند) و سندی درباره ی ارتباط شورش کروئشتات با امپریالیزم. به وجود این سند در آرشیو وزارت خارجه

دولت فرانسه سال ها قبل در نوشته های مختلف اشاره شده بود و پل آوریچ با انتشار آن اثبات کرده است که علی رغم تمام تلاش او برای بی اهمیت جلوه دادن این ارتباط، موضع بلشویک ها در این باره درست بوده است. اصل این سند در آرشیو " کمیته ی ملی روسیه " ( یکی از سازمان های روس های سفید در خارج کشور) در دانشگاه کلمبیاست.

مترجم: آزاده

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳